

غار ت میراث‌های فرهنگی و تاریخی

افغانستان

دستگیر صادقی

شماری از پژوهشگران، افغانستان را " چار راه جهان " ⁱ نامیده اند. آنها به این باور اند که این حوزه جغرافیایی، بنابر موقعیت بسیار حساس در مسیر راه تاریخی ابریشم، تمدن های شرق و غرب را با هم گره زده و همچنان زمینه داد و گرفت و اثرپذیری فرهنگ های متفاوت دنیای باستان را فراهم گردانیده بود. در چنین شرایط و موقعیت، در این حوزه، فرهنگی رشد کرد که در کنار ویژگی هایی مختص به خود، رنگ و بوی تمدن های دنیای قدیم را در مجموع بازتاب میداد. بنابراین فرهنگ این دوران تاریخی در این حوزه تمدنی، ممثلاً فرهنگی است که در بخش بزرگی از جهان متمدن آن زمان می درخشید و آن را تاریخ با افتخار و مباحثات، منحصراً گنجینه های باستانی تمدن بشری ثبت نموده است.

بنا بر آنچه گفته آمد، میراث های تاریخی و فرهنگی چندین هزار ساله افغانستان که گنجینه یی از میراث گرانبهائی فرهنگی بشری محسوب میگردند، نه تنها به مردم افغانستان، که به تمام بشریت تعلق دارند. این میراثها که در بسیاری موارد استثنائی اند، فصل بسیار با ارزش و مهمی را در تاریخ حوزه تمدنی ما و در مجموعی جهان می سازند.

یک بخشی قابل ملاحظه از میراث های تاریخی و فرهنگی افغانستان را، آثار باستانی قبل از اسلام تشکیل میدهند که از ویژه گی های کاملاً استثنائی برخوردار بوده اند. افغانستان در آن دوران تاریخی، منحصراً با اهمیت ترین مرکز تقاطع تمدن ها و جریان های متفاوت فرهنگی و به مثابه شاهراهی انتقال، و داد و ستد دست آورد های

فرهنگی ملل مختلف جهان شناخته شده است. بازرگانان، سیاحان و هنرمندان از چین، هند، آسیای مرکزی و اروپا با استفاده از راه مشهور ابریشم، در این حوزه باستانی رفت و آمد داشتند. آنها دست آوردهای خلاقانه‌ی فرهنگی‌شان را به معامله می‌گذاشتند و از این طریق به آن غنا می‌بخشیدند. در این برهه‌ی تاریخی و در این سرزمین، آن همه مردمی که در این مسیر تاریخی در رفت و آمد بودند از فرهنگهای مختلف نمایندگی میکردند. آنها با وجود باورهای متفاوت، باهم بطور مسالمت آمیز، با بردباری و تساهل، یکجا زنده گی نموده و این اشتراک با همی به غنا و عظمت تاریخی این سرزمین باستانی می‌افزود.

در این دوران بزرگ تاریخی که بیشتر عصر کوشانی‌ها را در بر می‌گیرد، و بنابر همان داد و ستدها، آثار فرهنگی و هنری منحصر به فردی به وجود آمدند که بخشی از افتخارات تاریخی نسل‌های واپسین این سرزمین را می‌سازند. ما نمونه‌های زیادی از این آثار را در دل خاکها و مغاره‌ها (موزیم‌های غیر منقول) و موزیم‌های تاریخی داخل کشور داشته‌ایم که با افتخار و مباهات به آنها می‌نگریستیم؛ ولی با دریغ و درد، حالا صرف‌میتوان تصاویری از این همه آثار استثنایی تاریخی را در کتابها و در صفحات شبکه بین‌المللی اینترنت دریافت و با صد آه و افسوس و چشم‌گریان به آنها نگریست. اکنون یک بخش بزرگی از این همه گنجینه‌های بسیار بزرگ فرهنگی و میراث‌های تاریخی، وجود خارجی ندارند. این گنجینه‌ها، یک باره و در زمان خیلی کوتاه، زیر سلطه‌ی جلادان تاریخ، نیست و نابود شدند، و بخش بزرگ دیگر آن با دستان به خون آلوده‌ی عناصر فروخته شده و بیگانه به غارت برده شده‌اند.

در گام نخست، غارت میراث‌های فرهنگی کشور از موزیم‌های تاریخی و بخصوص موزیم کابل آغاز گردید؛ و به تعقیب آن آثار تاریخی دوران قبل از اسلام در موزیم‌ها، ستوپه‌ها (نیایشگاه‌ها) و حتا تندیس‌های بزرگ بودا در بامیان بی‌رحمانه و وحشیانه منهدم شدند. به همین سلسله هنوز هم آثار گرانسنگی از اثر کاوش‌های غیر قانونی و حفاریات خودسرانه و غیر مسوولانه در تمام مناطقی که از لحاظ باستان‌شناسی با اهمیت تلقی می‌گردند و در هر محلی که به دست می‌آیند، بیش‌رمانه غارت میشوند.

غارت منظم و سیستماتیک آثار با ارزش باستانی از افغانستان و قاجاق آنها به پاکستان و سایر کشورها از اوایل سال‌های نود میلادی آغاز گردیده است. موزیم ملی افغانستان در کابل بصورت سیستماتیک زمانی غارت گردید که نیروهای متخاصم جهادی، بمنظور کنترل پایتخت کشور با هم می‌جنگیدند. در این جنگ‌ها، موزیم ملی و تاریخی دست به دست میشد و گو اینکه، آنها نیروهای وحشی و اشغالگر خارجی بودند و به میراث‌های فرهنگی این کشور کمترین توجه و علاقه‌ی نداشتند. آنها که با فرهنگ افغانستان بیگانه بودند، به نوبت هر آنچه را از لحاظ قیمت با ارزش تلقی میکردند با خود میبردند و متباقی را تخریب مینمودند.

گروه بزرگی از جنگ‌آوران جهادی بصورت متواتر دروازه آهنی موزیم ملی را تخریب و از این طریق به آن حریم تاریخی رخنه نموده و داشته‌های آنها را بصورت سیستماتیک غارت کردند. این عناصر ناپاک و وابسته به دشمنان افغانستان برای

انتخاب اشیای باارزشتر توسط دلالان افغانی و پاکستانی آثار عتیقه رهنمایی می شدند.



بر اساس گزارش رسانه های بین المللی ، بعد از ترمیم دروازه موزیم توسط هییتات ، جنگ اوران جهادی دیوار آن بنای تاریخی را توسط مواد منفجره در هم ریختند و آثار بی شماری ، به شمول کلکسیون های بزرگ و قدیمی مسکوکات را با

استفاده از وسایط نقلیه از موزیم خارج کردند. این غارتگران منفور، نه تنها آثاری را که می خواستند غارت نمایند ، غارت کردند ، بل آثار بی شماری را که از نظر آنها کم اهمیت تر تلقی میشدند و امکان انتقال آنها را نداشتند ، صدمه میرساندند و حتا تخریب مینمودند. چنین برخورد شامل حال تندیس بزرگ بودا و یک پیکره جنگ آور کوشان که به اندازه طبیعی تراشیده شده بود و هر یک قدامت دو صد سال پیش از میلاد را داشت، نیز گردید.

بر اساس نبشته روزنامه فار ایسترن ایکنومیک ریویوⁱⁱ ، گروهی از روزنامه نگاران رسانه های بین المللی در سال 1995 از موزیم ملی کابل بازدید نمودند و متوجه گردیدند که دروازه ها از جا کنده شده ، روکهای الماری ها تخلیه و جعبه های قبلا مملو از آثار تاریخی شکسته و در روی اتاقها پراکنده شده بودند. غارتگران برای این که بتوانند راه خود را در داخل اتاقهای معین باز نمایند، حتا دیوار ها و دروازه های داخل موزیم را نیز منفجر کرده بودند. در یک اتاق، جعبه های آهنی

شکسته شده بی‌پراکنده شده بودند که قبلاً به تعداد چهل هزار سکه قدیمی را که یکی از کهنترین و بزرگترین کلکسیونها در نوع خود در جهان را تشکیل میداد جا داده بود. براساس ادعای باستانشناسان، تا ختم سال 1995 در حدود نود در صد آثار تاریخی و فرهنگی از موزیم ملی غارت گردیدند. باستانشناسان به این باور اند که موزیم ملی کابل یکی از غنی‌ترین موزیم‌های منطقه بود. در این مجموعه عظیم تاریخی، آثار سنگی متعلق به ماقبل تاریخ که قدامت شان به چهل هزار سال قبل برمیگشت نیز شامل بودند، به شمول مجسمه بی‌که پیش بینی میشد، قدیمی‌ترین اثر از صورت یک انسان باشد.

کلکسیون آثار و سکه‌های دریافت شده از گنج میرزگه که شامل چهل هزار اثر میگردید و از قرن هشتم پیش از میلاد تا اواخر قرن نهم را در بر میگرفت، یکی از باارزشتین آثار تاریخی را در جهان تشکیل میداد. این مجموعه عمدتاً شامل بودند از مسکوکات یونانی و رومی که تا کنون نظیر آنها پیدا نشده است. آثار متذکره شامل یازده هزار و پنج صد سکه، و دو هزار کیلو گرام پارچه‌های طلایی و نقره بی‌که از تمدن‌های از روم تا چین را در بر میگرفتند، همه ناپدید گردیدند و به کلکسیونرهای شخصی در تمام جهان به فروش رسانیده شده اند.

بر علاه آنچه از مجموع آثار باستانی که از میرزگه در پکتیا و در نزدیکی گردیز بدست آمده بود و از موزیم کابل غارت گردید، بنابر کاوشهای غیر قانونی در همان منطقه، در سالهای 94 تا 97 گنجینه عظیمی از آثار بی نظیر تاریخی شامل زیورات

و مجسمه های طلایی و شمار بزرگی از سکه های نایاب که در آن دورانهای تاریخی معمول بوده اند ، نیز کشف و غارت گردیده اند.

(هندو ایشن نیوز سرویس) iii در تاریخ هشت مارچ 2005 به قول یک باستان شناس مشهور ادعا می نماید که چهارتن (به عباره دیگر چهار هزار کیلو گرام) سکه های باستانی و پنج صد کیلو گرام زیورات طلایی و تعدادی از آثار هنری و تاریخی در بین سالهای 1992 و 94 از افغانستان خارج و به پاکستان قاچاق شده است. این آثار باستانی و میراثهای فرهنگی از منطقه میرزگه در ولایت پکتیا همسرحد با پاکستان به دست آمده بودند.

سکه های یادشده ، زیورات و سایر آثار باستانی ، دوصد تا پنج صد سال پیش از میلاد قدامت داشتند و دوره سکندر کبیر و یونانو باختری را در بر می گرفتند.

بر اساس نظر این باستان شناس ، آثار باستانی بسیار گرانبهای که از پاکستان به ایالات متحده امریکا ، جاپان ، سوئیس ، بریتانیا و آلمان قاچاق شده اند، از اثر کاوشهای غیر قانونی از میرزگه و همچنان احتمالا ساحه آمو دریا بدست آمده باشند. موصوف علاوه می نماید که در آخرین بازدیدش از افغانستان وی تصاویری از این گنجینه های بسیار با ارزش تاریخی را که ارزش آن به میلیونها دالر بالغ میگردید به اهالی میرزگه نشان داده



است و آنها گفته اند که آثار نامبرده بصورت غیر قانونی کاوش شده و به پاکستان قاچاق شده است. بر اساس گفتار این باستانشناس، در میان این سکه ها ، نمونه های بی نظیری هم بودند که قیمت تنها یکی از آن ها در حدود بیست ملیون دالر ارزیابی میگردد. آثار باستانی قاچاق شده، بدست اشخاص انفرادی قرار گرفته؛ ولی بزرگترین کلکسیون آن به وزن تقریباً سه تن در بروگسل نگهداری میشود.

اخبار وفا در شماره 22 سرطان سال 1373، در یک گزارش مفصل، در مورد چگونگی کار کاوشهای غیر فنی و غیر مجاز تپه های میرزگه، مطالبی را به نشر رسانده بود که در آن نبشته در مورد خصوصیات ، انواع و مقدار زیورها و سکه ها و همچنان محل نگهداری آنها و مقدار پولی که از این مدرک برخی از اهالی محل به دست آورده بودند ، به تفصیل معلومات داده شده است.

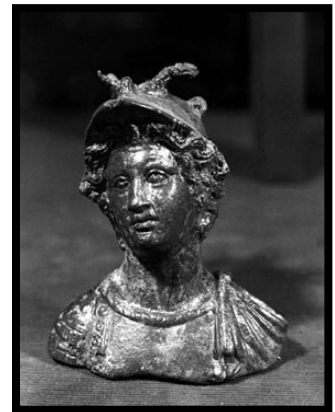
حسن دنی مورخ و باستان شناس مشهور پاکستانی به این باور است که کلکسیون های آثار ساخته شده از عاج فیل ، مجسمه ها ، نقاشی ها ، سکه ها ، زیورها ، جنگ افزارها و البسه از دوران ماقبل تاریخ تا دوران باختری ها ، کوشانی ها ، تمدن گندهارا و در دورانهای هندویی ، بودایی و اسلامی، یک مجموعه بی غیر قابل تصویری را به نمایش میگذاستند .



فار استرن ایکنامیک ریوو بر اساس مصاحبه با کارشناسان غربی و دیپلماتها در پاکستان و افغانستان می نویسد: که بصورت آشکارا یک شبکه بین المللی قاچاق آثار دزدی شده، مشتمل از کارمندان استخبارات و گمرک پاکستان، جنگسالاران جهادی و قاچاقبران حرفه یی که از اشخاص منفرد و دلالتان آثار عتیقه در کابل، پشاور و اسلام آباد، تا به کلکسیونر های شخصی آثار هنری در توکیو، اسلام آباد، جدّه، کویت، لندن و ژنیو را در بر میگیرد، به وجود آمده است. روزنامه بر اساس گفتار یک دیپلمات برجسته غربی که در جستجوی آثار باستانی است می نویسد که تجارت آثار عتیقه بعد از تجارت مواد مخدر سودآورترین منبع درآمد بوده و همواره توسط مافیای واحد عملی میگردد. یک کارشناسان آثار باستانی به این باور است که در حدود بیست درصد آثار بسیار با اهمیت موزیم ملی در خارج از منطقه به فروش رسانیده شده و متباقی آن در پاکستان و افغانستان منتظر دریافت خریداران مساعد میباشد.

در این گزارش، بر اساس گفتار دیپلماتها و کارمندان دولتی آمده است که در پشاور دو سر طلایی از شیوا خدای هندویی که باری در موزیم کابل به نمایش گذاشته شده بود و قدامت دوهزار و پنج صد سال داشت، به قیمت هر یک هفت هزار دالر به فروش گذاشته شده است. مجسمه های الهه های هندویی ساخته شده از عاج مربوط به قرن دوم پیش از میلاد در اسلام آباد به قیمت هر کدام 35 هزار دالر برای فروش گذاشته شده است. در حالی که دوازده نوع از مجسمه های کنده کاری شده و ساخته شده از عاج در لندن، به قیمت شش صد هزار دالر به یک کلکسیونر جاپانی به فروش رسانیده شده است.

چنانچه گفته آمد، افغانستان برای هزاران سال بمتابه محل تقاطع کشورگشایان و بازرگانان از ایران قدیم ، هند و آسیای مرکزی قرار داشت؛ بنابراین کلکسیونهای موزیم کابل از میراثهای بسیار غنی و متفاوت باهم نماینده گی میکردند. در این جمله آثار بدست آمده از بگرام یک مساله کاملا استثنایی است. بگرام که در کاپیسا موقعیت دارد، در پیش از دو قرن



قبل از میلاد و در زمان سلطنت کنشکا پادشاه کوشانی به حیث پایتخت تابستانی آن اعمار شده بود. امپراتوری کوشانی ها در این دوران از شمال هند تا آسیای میانه امتداد داشت و آن زمانی را در بر میگرفت که صلح از روم تا چین برقرار بود و تجارت ، هنر و مذهب در تمام این مسیری که مشهور به نام ابریشم است آزادانه در حرکت بود و کوشانی ها در مرکز این تقاطع قرار داشتند.

در سال 1939 زمانی که باستان شناسان قلعه کوشان را مورد کاوش قرار میدادند، بصورت تصادفی با دو اطاق قفل شده و بر اساس گفتار



نانسی دوپوری^{iv} یکی از شیفتگان فرهنگ باستانی افغانستان که در این عرصه کار های ارجمندی از خود بجا گذاشته است با "درخشانترین دریافت باستانشناسی قرن بیستم" برخوردارند. در این اطاقها به تعداد هزار و هشتصد

اثر برونزی ، عاجی ، شیشه یی و تندیسهای از روم ، یونان ، مصر ، چین ، هند و آسیای مرکزی وجود داشت.

کلکسیونهای بگرام در صدر فهرست غارتگران قرار داشتند. در قلب آن و یا برجسته تر از همه به تعداد صد و یا بیشتر از آن مجسمه ها و پارچه های ساخته شده از عاج هندی که بیشتر آنها، الهه ها و رقاصه ها را به نمایش می گذاشتند ، جاداشت. بر اساس گزارش ریوو که از مقامات دولتی و رهبران مجاهدین بدست آمده ، این آثار بی نظیر در جریان جنگهای تنظیمی توسط نیروهای وابسته به جمعیت اسلامی ، حزب وحدت و حزب اسلامی به رهنمایی دلالان و کارشناسان آثار عتیقه پاکستانی و افغانی دزدیده شده اند. این احزاب متخاصم، ساحه اطراف موزیم کابل را بعد از اشغال این شهر توسط مجاهدین بصورت متناوب در اختیار داشتند. آن آثار از راه های مختلف بالاخر به پشاور و سپس به اسلام آباد و اروپا رسیدند. دوازده مجسمه به یک دلال انگلیسی به قیمت سه صد هزار دالر به فروش رسید. دلال انگلیسی این مجسمه ها را به کلکسیونر جاپانی به شش صد هزار دالر به فروش رسانید. تعداد زیادی از این تندیسها و پارچه های عاجی هنوز هم در اسلام آباد برای فروش آماده میباشند. یکی از مورخین پاکستانی که از این آثار نفیس دیدن نموده، تصدیق می نماید: که بر برخی از این تندیسها مبلغ سی و پنج هزار دالر قیمت گذاشته شده است. براساس ادعای برخی از رسانه ها، تعدادی از این عاج پاره ها را، بی نظیر بوتو و نصیرالله بابر در اختیار دارند.

دیپلماتهای غربی به این باور اند که افغان ها و پاکستانی های مشهور که در پشاور و کابل زنده گي میکنند ، بمثابة دلال و اجنت برای سرمایه داران و کلکسیونر های شرق میانه و جاپان که در جستجوی دریافت آثار و سکه های اسلامی و مجسمه های

بودا اند ، کار میکنند. در یک مساله خاص چنین گمان میرود که مجسمه طلايي بودا از بامیان ، به وزن بیش از دو کیلوگرام، حالا در اختیار جاپاني ها گذاشته شده باشد. اگر چه در افغانستان تاکنون ساحه های وسیع دست نخورده و مکشوف ناشده باستانی وجود دارد که از آنها آثار تاریخي با اهميتي به دست خواهد آمد ، ولي باستان شناسان و مورخين به این باور اند که غارت آثار باستانی موزیم کابل موجب تخریب بخش بزرگی از میراثهای فرهنگي افغانستان گردیده و سلسله تاریخي آنها را برهم زده است. به باور کلارا کریسمن^v که در ترتیب و تنظیم کتلاک های موزیم کابل سالها همکاری داشت ، اگر آثار جدید نیز از دل زمین بیرون آورده شوند با آنچه در گذشته ها کشف شده بودند بي ارتباط خواهند ماند ، زیرا تمام ریکارد ها از بین رفته اند. حالا که گنجینه های موزیم و ریکارد های آن از بین رفته اند ، برای نسل جوان چیزی کمی باقی مانده است که از آن بتوانند آموخت. همه چیز از سلسله تاریخي خود جدا شده است. تنها تعداد بسیار محدودی از افغانهای آگاه میدانند که موزیم چگونه و چه وقت و از کجا آثار خویش را به دست آورد. و تنها آنها ، آثار دزدی شده را می شناسند و ساحات باستانی کشور خویش را میدانند. این گروه کوچک در حدود پانزده نفر افغاني اند که باقی مانده اند و با رفتن آنها نیز همه چیز به پایان میرسد.

باید خاطر نشان گردد که معلومات داده شده در فار ایسترن ایکنومیک رویو و سایر رسانه ها عمدتاً سالهای 92 تا 1995 را در بر میگیرند. پس از این سالها ، نگارنده به کدام گزارش جامعي که در بر گیرنده چگونگی آثار به غارت برده شده و وضعیت موجود میراثهای فرهنگي و موزیم های افغانستان باشد ، برنخورده است.

چنین معلوم میشود که در این عرصه خیلی ها با اهمیت از نگاه افتخارات تاریخی و ملی ، کدام کار با ارزشی از جانب ارگانهای مربوط صورت نگرفته و در مورد چگونگی وضعیت موجود گنجینه های فرهنگی افغانستان نیز کدام گزارش جامعی به نشر نرسیده است.

اما آنچه منظمًا بازتاب مییابد این است: با دریغ و درد ، غارت گنجینه های تاریخی و فرهنگی افغانستان همچنان بصورت سیستماتیک و هدفمند ادامه دارد. تو گویی در این کشوری بی در و پیکر، کدام ارگان مسوولی وجود ندارد تا در ارتباط به حفاظت و حراست میراثهای بزرگ تاریخی جوابگو باشد. در همین اوضاع و احوال ، رئیس جمهور این کشور با افتخار اجلاس شصتمین سالگرد سازمان جهانی یونسکو را با سخنرانی خویش افتتاح می نماید ، و شگفت آورتر از آن این که در بیانیه جناب شان کوچکترین حرفی در ارتباط به غارت بزرگ میراثهای فرهنگی افغانستان و فروش آنها در بازار های عتیقه فروشی جهان به میان نمی آید و حتا در این فرصت مساعد توجه جامعه بین المللی و این سازمان با اهمیت در ارتباط به یاری رساندن در زمینه بازگشتاندن این افتخارات تاریخی به کشور اصلی شان یعنی افغانستان نیز جلب نمیگردد !



این خود بیانگر آن است که ارگانهای اداره دولتی در برابر میراثهای فرهنگی و تاریخی افغانستان احساس مسوولیت نمی نمایند و این امر را تاکنون نپذیرفته اند که آنها در ارتباط به کار و

فعالیت شان در عرصه های مربوط همواره باید به مردم گزارش بدهند. مردم حق دارند بفهمند که در این عرصه تا حال چه اقدامی صورت گرفته و وضعیت موجود چگونه است؛ و برای بهبود این وضعیت چه برنامه های رویدست گرفته شده است؟ با غم و اندوه فراوان که نسبت به غارت این گنجینه های بسیار بزرگ تاریخی و فرهنگی بی تفاوتی عمیق و جانسوزی حکم میراند، و چنین معلوم میشود که عملاً در این زمینه کدام ارگان و مقام مسوول و جواب دهی وجود ندارد.

افغانان وطن دوست که به فرهنگ پُر بهای کشور شان عشق می ورزند ، سخت در تشویش اند و میخواهند بدانند:

در شرایطی که حتا امنیت سنگ مزار شاعر نامدار ، دروازه آرامگاه یک شخصیت ارجمند روحانی و فرش مسجد، یک مسجد تاریخی در زیر سایه دولت اسلامی و از برکت موجودیت قوماندانان جهادی تامین نیست ، دست زدن به حفریات و کاوش حوزه های باستانی کشور به چه مفهوم است و چه را افاده میکند؟

آیا ارگانهای مسوول و در حقیقت " غیر مسوول و واجب الاحترام " می خواهند گنجینه های تاریخی و میراث های فرهنگی کشور را از دل خاک برآورند و در موزیم های که عملاً وجود ندارند به نمایش گذارند و یا خود بمنظور بدست آوردن این گنجینه ها و قاچاق و فروش آن به خارج از کشور به نحوی با شبکه هایی مافیایی آثار عتیقه همکاری مینمایند؟

چرا مطبوعات و رسانه های داخل کشور در فضای نسبتاً باز موجود، همچو مسائل را با جدیت مطرح و پیگیری نمی کنند و صرف در سطح یک گزارشگر ساده حوادث و قضایا سقوط می نمایند؟ مطبوعات و رسانه ها باید در همچو موارد یخن ارگانهای مسوول را بگیرند و آن را همواره و شدید چنان تکان بدهند که ارگانهای اداره دولتی درک کنند که در برابر مردم مسوول و جواب ده اند و نه صرف مقاماتی که غرور و افتخارات ملی را به لیلام بگذارند و برای خویش از این طریق سود های نجومی بدست آورند.

در جهان امروزی ، رسانه های گروهی منحیث عمده ترین هرم کنترل کننده در جامعه، چگونگی کار و فعالیت ارگانها و شخصیت های مسوول را همواره در زیر ذره بین نقد قرار میدهند و کوچکترین تخلف آنها را برملا میسازند. مطبوعات همچو مسائل را پیگیرانه به گونه یی مورد تعقیب قرار میدهند که تا بالاخر به نتیجه نهایی برسند و وظیفه ملی و حرفه یی شانرا که آگاهی بخشیدن سالم ، دقیق و کامل رویدادها به مردم هست به نحوی انجام دهند. ما در جریان سالهای اخیر شاهد سلسله قضایای بوده ایم که از طریق مطبوعات افشاً گردیده اند و بعداً بی هراس و با پیگیری و هدمند تا آخرین مرحله تعقیب شده اند. چه شخصیت های نام آوری که به ذلت نشسته اند و ناگزیر گردیده اند تا از کار و اقدام خلاف موازین قانونی و اخلاقی خویش شرمگینانه معذرت بخواهند و با سر افکنده از صحنه کنار روند.

برای رسانه های داخل و خارج از کشور صدها سوژه بسیار داغ و جالب وجود دارد که کنکاش و بررسی آن مسایل، صرف محتاج شهادت و جسارت نامه نگاران هست.

اگر در این عرصه هم گاهی اقدامی صورت گرفته باشد آن نیز خیلی محدود و گذری بوده است.

آیا هنوز هم فرصت آن نرسیده است که شیفته گان فرهنگ این سرزمین با جلب همکاری نام آوران و سرشناسان علمی و فرهنگی جهان ، از طریق رسانه های بین المللی و رسانه های مربوط به افغانها ، در مورد وضعیت بسیار غم انگیز و ناهنجار میراثهای فرهنگی کشور که در حقیقت جزی از میراثهای فرهنگی بشریت بشمار میروند و شرم آوران به یغما میرسند، صدای اعتراض شان را هرچه رساتر و بلندتر به گوش جهانیان برسانند و از این طریق جلوی این همه بی تفاوتی های استخوان سوز را بگیرند ؟

دسمبر سال 2005

-
- i Afghanistan Cultural Heritage , UNC , University Libraries
 - ii Far Eastern Economic Review , Looting and destruction in the Kabul Museum, 23. september 1995
 - iii Indo Asian News, News Service, World News 8. March 2005.
 - iv Nancy Hatch Dupree
 - v Clara Grissmann